■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۹۷ ■ چهارشنبه ■ ۱۸ فروردین ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپخانه جام جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۱۹/۴۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۵/۱۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۱

سخن روز

امام محمدباقر(ع):
از دشمنی بپرهیزید، زیرا فکر را مشغول کرده و مایه نفاق می‌گردد.
بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۰۱

سیدعباس صالحی: برای پیشگیری، از حوزه‌های فرهنگ می‌توان استفاده کرد

در حوزه فرهنگی تلاش می‌کنیم این باور ملی که اعتیاد کم خطرتر از کرونا نیست، ایجاد شود. همچنین پیشگیری بیش از گذشته باید مورد اهتمام قرار گیرد و عوامل و زمینه‌های اعتیاد از جمله ذهنی انگیزشی و محیطی اجتماعی و حوزه‌های معرفتی را دربرگیرد تا آنجا که اطلاعات صحیح را جایگزین اطلاعات غلط کنیم و تمامی گزاره‌های غلط را بزداییم؛ برای پیشگیری، از حوزه‌های فرهنگ می‌توان استفاده کرد که در این قسمت به‌عنوان پیشنهاد و تقویت فضای همکاری باید گفت جشنواره با نگاه پیشگیری‌های معرفتی برگزار شد، اما جا دارد که نکات بیشتری مورد توجه قرار گیرد، به‌عنوان نمونه در فضای کارهای سینمایی و مستند باید مطالعات و آسیب شناسی‌ها از عامه‌گرایی به نگاه عمقی تبدیل شود. در این صورت حجم بالایی از فهم عمومی منتقل می‌شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم اختتامیه مجازی جشنواره «یاریگران زندگی» به نقش هنر در آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد

نگاه او به من کفایت می‌کرد برای سرمستی وصف ناپذیرم اگر چشمان عالمی حتی نسبت به من کور می‌شد.

سلوک
محمود دولت آبادی

نگاره
امیرعباس تبریزی

محیط زیست؛ این موهبت الهی را قدر بدانیم

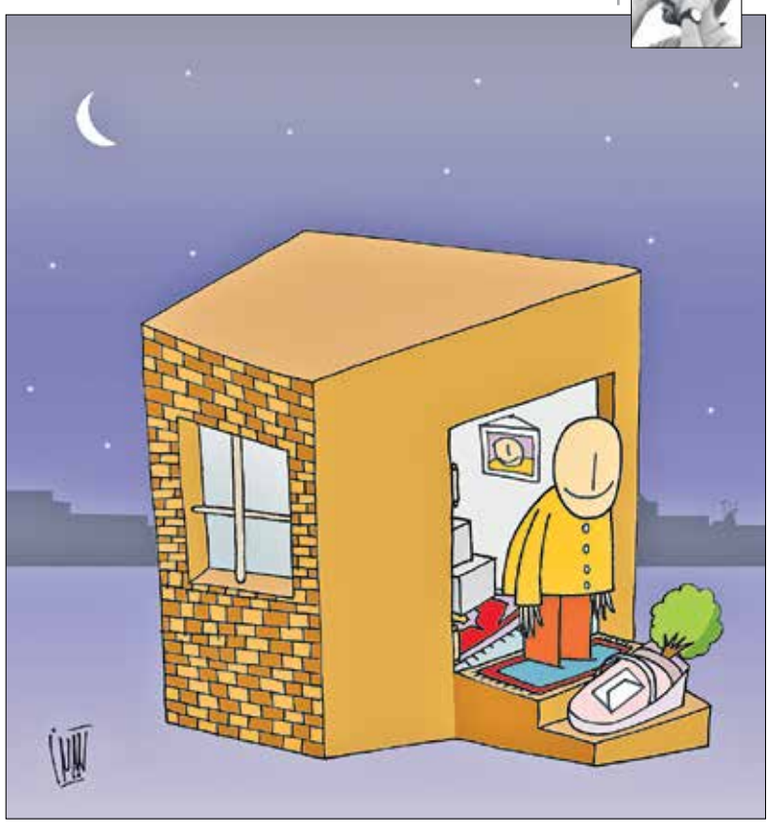

درباره دوبله و شرایط سخت کرونا

دوست ندارم به تنهایی دوبله کنم

یادداشت

منوچهر والی زاده
دوبلور پیشکسوت

دوبله در شرایط کرونا هم به کار خود ادامه داد. دوبله فیلم از جمله کارهایی است که هیچ وقت تعطیلی نداشته است. اتفاقاً در شرایط کرونا و خانه‌نشینی که مردم بیشتر سراغ فیلم می‌روند، اوضاع دوبله فیلم هم اگر عالی نباشد اما خوب است. امیدوارم کرونا هر چه زودتر برود. چون تفاوتی که بین دوبله در شرایط ماقبل کرونا با اکنون وجود دارد این است که فضا و زیبایی و جلوه‌ای که داشت از بین رفته است. دوبلورها تک تک به اتاق دوبله می‌روند و تمام متن را بدون اینکه پاسخ نقش مقابلشان را بشنوند می‌گویند و می‌روند. اوایل خیلی کارمان سخت بود اما از آنجایی که ما ملتی هستیم که خیلی زود شرایط را می‌پذیریم و با آن خودمان را وفق می‌دهیم، بالاخره به آن شرایط سخت عادت کردیم. من دوست ندارم تنهایی دوبله کنم. چون دوبله مستلزم کار دسته جمعی است. دوبلورها با هم بده بستان می‌کنند انگار به جای بازیگران به نوعی بازی می‌کنند و همین حال و هوای دوبله را خوب می‌کند. اما اکنون من می‌روم و به‌جای یک نقش حرف می‌زنم. قبل از شرایط کرونا یک فیلم سینمایی را اگر از ساعت ۹ صبح شروع می‌کردیم تا ۴ بعدازظهر تمام می‌شد. اما اکنون مدیر دوبلاژ باید ۵ روز به‌خاطر یک فیلم برود و این کار را سخت کرده است. اما دوبلورها کار این روزهایشان این شده است که از یک استودیو به استودیوی دیگر بروند و به‌جای نقش‌ها حرف بزنند. واقعاً امیدوارم دوباره شرایط دوبله به حالت قبل برگردد.

کار دوبله برای جوان‌ترها و آنهایی که در یکی، دو دهه اخیر وارد این حرفه شده‌اند اگر فراگیریشان خوب باشد و عشق به کار داشته باشند، کار خوبی است. البته عده‌ای به خاطر اینکه پول بیشتری گیرشان بیاید بدون وسواس و حساسیت لازم کار می‌کنند تا امورشان بگذرد. آن دست از دوبلورهای جوان که صدا و استعداد خوبی در این زمینه دارند، می‌توانند آینده دوبله را حفظ کنند. این حرفه به گونه‌ای است که نمی‌توان در مورد آینده آن به صراحت سخن گفت. اما در مجموع اکنون وضعیت دوبله در ایران خوب است. این را از تعداد فیلم‌های دوبله شده در نماوا، فیلیمو و شرکت‌های دیگر پخش فیلم می‌توان به وضوح مشاهده کرد. آنچه در حرفه دوبله کار را با سختی مواجه کرده است، دستمزد پایین دوبلورهاست. جلسه‌ای به همین منظور برگزار شد که امیدوارم نتیجه خوبی در پی داشته باشد و دستمزد دوبلورها هم افزایش پیدا کند. دوبله حرفه‌ای است که هر کسی در آن نمی‌تواند بماند، چرا که باید عاشقش باشی تا در این کار بمانی.

اسماعیل مهرتاش، محمد یعقوبی و دیگران

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

در همین چند روزی که دارم پشت سر می‌گذارم، گذارم به اسماعیل مهرتاش افتاده و دارم زندگی او و کلی چیزهای شگفت‌آور درباره او می‌خوانم؛ چیزهایی که شاید عادی باشد و بشود از کنارش گذشت اما حقیقتاً باید دوباره مهرتاش را شناخت و بررسی کرد، مثلاً وقتی به نام شاگردان مهرتاش برمی‌خوریم تنوع در آن بیداد می‌کند، حداقل در همان آوازخوانی و شاگردهای جامعه باربد تنوع زیاد است. همین نشان می‌دهد که او صداهای مختلف را شنیده است و به تنوع صداها علاقه دارد؛ همه را یک‌جور تربیت نمی‌کند. درست عین برخی کلاس‌ها که همه شبیه استادها هستند. نمی‌دانم چه سری در کلاس‌های مهرتاش بوده که رنگ‌های مختلف در خروجی کلاس‌های او می‌بینیم؛ از این مسأله که عبور کنم می‌خواهم به مصاحبه‌ای از مهرتاش برسم که در مجله رودکی منتشر شده است. بین سال‌های ۵۱ تا ۵۴. این گفت‌وگو در کتابی با نام «نی‌نوا» در سال ۱۳۸۱ بازنشر شده است. می‌خواهم به دیدگاه مهرتاش در این گفت‌وگو بپردازم؛ نظراتی که او راجع به تئاتر دارد. یکی از مهم‌ترین حرف‌هایی که او می‌زند درباره نمایشنامه است. نکته‌ای که هنوز هم جا دارد به آن پرداخته شود. با اینکه در ایران نمایشنامه‌های خوب داریم و همین چند وقت پیش هم در اسفند ماه بود که خبر آمد محمد یعقوبی جایزه پن (کاهوتس تیاتر) را برای نگارش نخستین نمایشنامه‌اش به انگلیسی به نام «خرمالو» برده است. حالا با همین خبر که برای من خیلی مهم بود و دلم می‌خواست جایی درباره‌اش بنویسم بر می‌گردم به اسماعیل مهرتاش و حرف‌هایش درباره «پیس».

اسماعیل مهرتاش: «نقص بزرگ ما نداشتن نمایشنامه‌نویس خوب است، نمایشنامه‌نویسی که بتواند به آثار ادبی و تاریخی رجوع بکند و با الهام از آنها نمایشنامه بنویسد. داشتن نمایش‌های ملی مسأله مهمی است،مثلاً در سفرهایی که من به فرنگ کردم، آنجا همه از من می‌پرسیدند پیست ملی چی دارید، هیچ‌وقت هیچکس از من نپرسید آیا شما اتللو بازی کردید؟ و باید مسائل اجتماعی و حرف‌هایی را هم که داریم در این نمایش‌ها گنجاند و به مردم تلقین کرد.»

همین خط‌های بالا از زبان مهرتاش نشان می‌دهد که این دغدغه همیشه وجود داشته و هنوز هم وجود دارد. تئاتر وقتی تئاتر می‌شود که نمایشنامه خوبی پشت آن نشسته باشد. ایده و فکر خوبی داشته باشد. کاری که مهرتاش خیلی دلش می‌خواسته انجام شود و دریغ‌اش را می‌خورده، اما بالاخره نسل‌های بعد از او کارهایی انجام داده‌اند اما هنوز هم می‌شود این انتقاد را جدی گرفت. از این‌جا می‌خواهم به جمله‌های دیگری از او بروم، جایی که مصاحبه‌کننده از او می‌پرسد که تئاترهای این روزها را می‌بیند یا نه؟ و جواب او چنین است: «فقط نمایش‌هایی را می‌بینم که برایم دعوتنامه آمده باشد، چون معتقدم ارزش ندارد که هم پول بدهم، هم وقتم را تلف کنم و هم عصبانی شوم!»

آن‌وقت‌هایی که این ویروس همه‌گیر وجود نداشت پول تئاتر می‌دادم و عصبانی از سالن بیرون می‌آمدم البته گاهی وقت‌ها هم راضی از سالن بیرون می‌آمدم. با این همه اینها را نوشتم که بگویم باید تئاتر را با بزرگانش به یاد آورد. باید کاری کرد که این حرف‌های قدیمی به گوش همه برسد و ببینیم مشکلی که پنجاه سال پیش داشتیم هنوز هم کمابیش داریم. باید ببینیم چه کار باید بکنیم که این مشکل را حل کنیم و نمایشنامه‌نویسانی همچون محمد یعقوبی و دیگران زیاد داشته باشیم.

موسیقی خوب برای بچه‌های خوب

پیشنهاد

مهدی آذرسینا
نوازنده و آهنگساز

آثار موسیقی مخصوص بچه‌ها شاید زیاد در ایران و جهان تولید شوند اما باید بدانید چه اثری را برای بچه‌ها تهیه می‌کنید و چه تأثیری بر آن‌ها و حافظه و شناخت موسیقایی‌شان خواهد داشت.

من در مجموعه «موسیقی برای کودکان» که شامل ۴ جلد کتاب و دو سی‌دی است به زبانی ساده درباره موسیقی برای کودکان صحبت کرده‌ام. این مجموعه تلفیق موسیقی ایران با متد معروف ارف است. در واقع اجرایی ترکیبی از سازهای ایرانی و براساس موسیقی دستگاهی ایران است که نگاهی به متد ارف دارد. آهنگساز این کارها خودم بوده‌ام و به‌دلیل اینکه سال‌هاست در حوزه آموزش موسیقی به کودکان فعالیت کرده و در رشته آموزش موسیقی تحصیل کرده‌ام تلاش کردم اثری تولید کنم که مناسب بچه‌ها باشد؛بسیاری از آثاری که برای بچه‌ها پخش می‌شود برای آن‌ها مناسب نیست. کار برای بچه‌ها بسیار حساس و دقیق است و باید به شکلی باشد که ذهنیت، ذوق و سلیقه و شناخت بچه‌ها از موسیقی را تأمین کند. من تمام تلاشم را کرده‌ام تا در این کتاب‌ها و این سی دی‌ها این موارد را رعایت کنم.

■ **موسیقی برای کودکان**
■ **نویسنده و آهنگساز: مهدی آذرسینا**
■ **نشر:عارف**

عکس نوشت

پشت سر تابلوهای برجسته و مشهور و محبوب جهان گاهی داستان‌هایی تلخ قرار دارد. واقعیت این است که بسیاری از تابلوهای مشهور در دوران انقلاب صنعتی خلق شده‌اند و اشاره به بهره کشی‌ها و کارهای سخت مردم در آن روزها دارند. مانند تابلوی «کارخانه‌ها در کلشی» ونسان ونگوگ. او این تابلو را در سال ۱۸۸۷ از چند کارخانه در کنار هم در حومه کلشی شمال غرب پاریس، که به منطقه‌ای صنعتی تبدیل شده بود کشید. واقعیت این بود که با شروع جنگ جهانی اول زنان در محیط‌هایی سخت کار می‌کردند. محیط‌هایی که در اصل برای مردان تهیه شده بود اما چون آنان در جنگ بودند، زنان جایگزین شان شده بودند.

#محیط_بان

هشتگ

خبر شهادت دو محیط‌بان در منطقه حفاظت شده فیله خاصه استان زنجان در جریان درگیری با شکارچیان غیرمجاز موجی از خشم و ناراحتی و همدردی را در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرد. کاربران زیادی از سختی کار محیط‌بانان نوشتند و به کمبود امکانات آنها برای مبارزه با شکارچیان اشاره کردند. خیلی‌ها از کار ارزشمند مهدی مجلل و میکاییل هاشمی که بر اثر اصابت گلوله سلاح جنگی، جان‌شان را از دست دادند گفتند: «دو محیط‌بان دیگر را هم از دست دادیم؛ این بار در زنجان و در منطقه فیله. خاصه با سلاح جنگی به سوی‌شان شلیک کردند. شکارچیانی که حتی در فصل زاد و ولد حیوانات هم، دست از شکار برنمی‌دارند. هم انسان می‌کشند و هم حیوان. حالا محیط زیست به اندازه دو محیط‌بان، تنهاتر شد...»، «از مظلومیت محیط‌بانان که دانه دانه پر پر می‌شوند و کک کسی نمی‌گزد، باید سر به بیابان گذاشت.»، «امیدوارم روزی مقامات کشور به این پرسش بیندیشند که چرا میزان این حوادث در طبیعت ایران در بین همه کشورهای جهان به نسبت جمعیت و وسعت مناطق حفاظت‌شده بیشتر است؟»، «قتل دو محیط‌بان دیگر این بار در زنجان یک جنایت فجیعه. قتل این دو عزیز یعنی انگار عده‌ای برای نابود کردن ایران عجله دارند. این جانیان خائن‌ترین خائنان به موجودیت ایران هستند...»، به‌جای اینکه دغدغه‌تون عبور از خط ویژه باشه، برای محیط‌زیست و محیط‌بان به فکری بکنید»، «چندسال پیش که برای پروژه پرندگان باغشاه دنبال تهیه مجوز نمایش تاکسیدرمی بودم، بارها به سازمان محیط‌زیست و ادارات شکار و صید، مراجعه کردم. حجم بی‌تفاوتی، سوء مدیریت، پاسکاری مراجعه کننده، بی‌توجهی به محیط‌بان‌ها وچشم بستن به شکار و فروش غیرقانونی هراسناک بود.»، «نمی‌دونم با محیط‌بان‌ها برخورد داشتید یا نه. اوایل فکر می‌کردم صرفاً به‌خاطر امرار معاش به این کارتن دادن. وقتی با چند تاشون آشنا شدم فهمیدم هیچ کس به‌خاطر پول خودشو جلوی تیر نمیندازه.»، «قصه تکراری و تلخ شهادت محیط‌بان. برای صیانت از حیات وحش و منابع طبیعی باید امکانات و اختیاراتی در حد ارگان نظامی در اختیارشون باشه تا شاهد ریختن خون بی‌گناه محیط‌بانان شریف نباشیم»، «حمیدرضا میرزاده یه قصه شیرینی تعریف می‌کنه از یه قوچی که بهش می‌گن قوچ عباس، قوچی که با محیط‌بان جنگل خیلی رفیق بود و وقتی که عباس توی جنگل بود چسبیده بود بهش. حالا قصه دو محیط‌بانی که کشته شدن یاد اون قوچ عباس انداختم.»، «شکارچیا تو ایران آدم شکار می‌کنن.»، «واقعاً شکار یک حیوان ارزش کشتن دو انسان و بی‌پدر کردن فرزندانشون رو داره؟»، «هر چه بگم کمه از تجهیزات کم محیط‌بانان‌مان»، «به‌عنوان کسی که بهترین دوستم محیط‌بان هست در قره‌داغ می‌تونم بگویم با دست خالی در حال نگهداری از طبیعت هستن.»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

کرونا و سونامی‌اش

ماجرا

بیماری کرونا هرروز افراد بیشتری را در کشور مبتلا می‌کند و قربانیان بیشتری می‌گیرد. در این شرایط اصلاً عجیب نیست که یکی از مهم‌ترین بحث‌های روزانه در شبکه‌های اجتماعی کرونا و داستان‌هایش باشد. از واکسیناسیون تا رنگ‌بندی شهرها تا پیدا کردن مقصر ایجاد این شرایط: «۱۲ فروردین از بچه‌ها خواستیم که شنبه بدون نتیجه تست کرونا نیان سر کار. نتیجه چی شد؟ تست یکی از بچه‌ها مثبت شد که علائمش تازه از یکشنبه شروع شدن! یه آقای دکتری هم حاضر شد ازمون خداحافظی کنه ولی تست نده. با تمام اینها امروز بچه‌ها رو فرستادیم دورکاری. وضع خیلی ناجوره مراقب باشید.»، «امریکا از روزی ۴۵۰۰ مرگ کرونا امروز رسید به ۲۷۰ نفر! نتیجه واکسیناسیون بموقع»، «درباره کرونا درمان زودرس نقش حیاتی دارد اگر علائم سرماخوردگی دارید نگید «سرما و گرما شدم» اگر درد و کوفتگی دارید نگید «دیروز وسایل خانه را جابه جا کردم» اگر ضعف مفرط دارید نگید «دیشب بد خوابیدم» تحمل عوارض دارو بهتر از مردن است. اگر در محیط پرخطر قرار گرفتید با مشاوره پزشک دارو جهت پیشگیری شروع کنید»، «چون کسی به فکر ما نیست، از امروز ما گروه کوچیک خودمون رو دوباره دورکار کردیم. پیشنهادم اینه هر کسی که می‌تونه، همین کار روانجام بده»، «بزرگواران، مسئولان شریف شما که جلوی فروش نوروزی بلیت قطار و هواپیما رو نگرفتید، ورودی و خروجی شهرها هم که باز بودن، مترو هم که جای سوزن انداختن نیست، سفره خونه‌ها هم که قاچاقی بازن، این محدودیت شبانه برای چیه دیگه؟!»، «چیزی که الان مطرح است با این طغیان دوباره کرونا و حجم بیماران کرونایی بخش‌های مختلف درمان درگیر شده طبیعتاً خیلی از کادر درمان جز اولویت واکسن نبودن ولی الان درگیر بیماران جدید کرونایی میشن»، «همه میگن وارد موج چهارم کرونا شدیم و شرایط بسیار خطرناکه و... ولی در عمل نه واکسن میبینی نه محدودیت‌های جدی و نه حتی دورکاری!»، «حتماً باید موج چهارم کرونا به تهران می‌رسید تا همه توئیت و هشتگ بزنن؟ ماتو این دوماه تو کشیک‌ها خون گریه کردیم...»، «موج چهارم و سیل و سونامی اومد بازیه سریا میخوان با ما حرف بزنن ماسکو میکشن پایین»، «بیست روزه خانواده‌ام رو ندیدم. هیچ آدمیزادی جز دکتر و داروخانه و بیمارستان و چهارتا کووید۱۹‌ای ندیدم. الانم که تعطیلی و وضعیت قرمز و... خلاصه سال نوی من اینجوری شروع شده.»، «نزدیک عید جای اینکه قاطعانه سفر به مناطق حساس رو ممنوع کنن، محدودیت بالا بگذارن و یکصدا بگن به سفر و میهمانی نروید، هرکس حرفی زد و اکثر مردم، دوست و آشنا رو سردرگم و در نتیجه سهل انگار کرد؛ آن وقت حالا که وضعیت قرمز شده یادشان افتاده که ای وای مراقب باشید و کاری بکنید و...»

آهای خبردار، سینماها باز می‌شوند

یادداشت

حبیب اسماعیلی
تهیه کننده و سینمادار

ضمن تبریک سال نو به رسم همه ایرانی‌ها در آغاز سخن آرزوی سلامتی برای همه مردم دارم. به امید اینکه ویروس کرونا ریشه‌کن شود تا دیگر هم و غم‌مان قرمز و نارنجی شدن شهرها و وضعیت گروه‌بندی مشاغل نباشد. ۱۴ ماه از شیوع کرونا گذشته و مردم به این سبک زندگی عادت کرده‌اند اما نباید فراموش کنیم که همچنان در وضعیت متفاوتی هستیم و باید مسائل ایمنی را رعایت کنیم، مسافرت نرویم، از میهمانی و دورهمی پرهیز کنیم. همه ما اهل همین سرزمین هستیم و مشکلات‌مان مشترک است و می‌دانیم تعطیلی‌ها چه عواقبی بر اقتصاد هر صنف دارد. سال گذشته سال سختی برای سینمای ایران بود. احساس خطر راجع به محافل جمعی امری معقول بود اما گاهی برخورد برخی ارگان‌ها با سینما به گونه‌ای بود که به نظر می‌رسید دغدغه سلامتی افراد جامعه مطرح نیست بلکه هدف کم رونق شدن سینما است. این بی‌اعتنایی به سم‌پاشی علیه فعالیت سالن‌های سینما هم کشید. با تعطیلی هر گروه شغلی، حتی اگر سالن‌های سینما در آن رده‌بندی قرار نداشت از سوی صداوسیما بارها اعلام می‌شد که سینماها تعطیل شدند. برخی رسانه‌ها در زمان تعطیلی سینماها سنگ تمام می‌گذارند. به‌عنوان نمونه وقتی روز دوشنبه تهران در وضعیت قرمز کرونا قرار گرفت بلافاصله در تلویزیون اعلام عمومی می‌شود که سینماها تعطیل شد اما خبر مهم هفته گذشته یعنی تغییر رده‌بندی مشاغل و انتقال سینما و تئاتر به گروه دوم دیده نمی‌شود. این نشانه‌ها گواهی می‌دهد که برخی دلشان نمی‌خواهد سینماها رونق بگیرند. البته که سلامت جامعه در اولویت قرار دارد و مهم‌ترین مؤلفه برای ما اهالی سینما هم سلامتی افراد جامعه است. در شرایط امروز کسی بر تعطیلی مجدد سینماها خرده نمی‌گیرد نکته مورد بحث استقبال رسانه‌های عمومی از تعطیلی سالن‌ها و بی‌اعتنایی آنها نسبت به فعالیت سینما است. در ایام نوروز بعد از تعطیلی دو سه روزه سینما به‌خاطر نارنجی شدن وضعیت تهران، سینماها ریزش مخاطب شدیدی را تجربه کردند. بخش عمده‌ای از این عدم استقبال مخاطب به‌عدم اطلاع‌رسانی بازگشایی دوباره سینما برمی‌گشت و بخشی هم از ترس مردم نشأت می‌گیرد و اعتماد به حضور در سینماها به زمان نیاز دارد. اعلام خبر تعطیلی چند باره سالن‌های سینما تأثیر روانی بر جامعه دارد و مخاطب پیش خودش فکر می‌کند لابد سالن‌های سینما محیط پرخطری است که هر بار با کوچکترین تغییر در آمار و ارقام تعطیل می‌شود. در حالی که قرائن و شواهد گواهی می‌داد که سالن‌های سینما از امن‌ترین اماکن عمومی هستند. سال گذشته با وجود مجوز ۳۰ درصد ظرفیت برای فعالیت سالن‌های سینما، در بهترین حالت ضریب اشغال سینماها حدود ۵ درصد بود یعنی در هر سانس کمتر از تعداد مسافران یک تاکسی در سالن سینما حضور داشتند. این میزان استقبال برای سینماداران اگرچه صرفه اقتصادی نداشت اما امید این بود که راه ارتباط مخاطب با سینما بسته نشده و این رابطه بالاخره قوت می‌گیرد. ضمن اینکه تعطیلی سینما مترادف با بیکاری تعداد زیادی از فعالان این عرصه است. انتقال مشاغل سینمایی از گروه سه به گروه دو تا حدودی حس اعتماد و آرامش را به اهالی سینما بازگردانده است. از پیگیری‌های مجدانه حسین انتظامی، مدیران سینمایی، ستاد مقابله با کرونا و وزارت کشور بابت این همراهی سپاسگزاریم. این تصمیم، اقدامی امیدوارکننده است اما به تنهایی کافی نیست. لازم است اطلاع‌رسانی گسترده‌ای درباره فعالیت سینماها صورت بگیرد. همان‌طور که خبر تعطیلی سالن‌های سینما بارها از رسانه ملی اعلام می‌شود توقع این است که خبر بازگشایی سینما به‌صورت گسترده اطلاع‌رسانی شود. من اگر این خبر را از تلویزیون نشنوم، اطمینان پیدا می‌کنم لابد حرف و حدیث‌ها راجع به جبهه‌گیری تلویزیون در مقابل سینما دور از واقعیت نیست. از همراهی خبرگزاری‌ها و برخی رسانه‌های مکتوب و شبکه‌های مجازی سپاسگزاریم اما توقع داریم دو ارگانی که نقش مهمی در دیده شدن فیلم‌ها دارند به کمک سینما بیایند. حتی اگر با فیلمی مشکل دارند اصراری نیست که فیلم‌ها را تبلیغ کنند حداقل خبررسانی و فرهنگسازی کنند که در سالن‌های سینما باز است و نکات بهداشتی رعایت می‌شود. زیر نظر ستاد مقابله با کرونا از وضعیت سینماها گزارش تهیه کنند تا مردم مطلع شوند که تمام نکات بهداشتی از تب سنجی، فاصله‌گذاری صندلی‌ها در هنگام خرید، فاصله‌گذاری زمانی بین سانس‌ها، تهویه مناسب، ضدعفونی و اجبار استفاده از ماسک اعمال می‌شود. عوامل سینما هم در ارتباط مستقیم با همین مخاطبان هستند و اگر کم کاری کنند خودشان هم درگیر بیماری می‌شوند. از مدیران صداوسیما و شهرداری تقاضا دارم در چنین شرایط سختی به یاری سینماها بیایند. از شهرداری تهران که اسپانسر اصلی جشنواره فیلم فجر بود، بیشتر توقع و انتظار همراهی داریم. این همه بیلبورد وجود دارد بخشی از آن را به امور فرهنگی اختصاص بدهند. ارگان‌ها به جای لجبازی با همدیگر، به حرمت فعالان فرهنگی در این وانفسای اقتصادی فکر کنند. تولیدات سه سال سینما پشت خط اکران مانده است. یک اثر سینمایی کالا و ملک و ارز و دلار نیست که با گذشت زمان ارزش مادی‌اش محفوظ بماند، سرمایه اهالی سینما در حال نابودی است. جدا از مسائل اقتصادی و معیشتی اهالی سینما موضوع اصلی نشاط اجتماعی و روحیه جامعه است. مردم از محدودیت‌های کرونایی و مشکلات اقتصادی خسته شده‌اند و سینما می‌تواند در جنبه روانی جامعه اثرگذار باشد. در نهایت لازم به یادآوری است که سینما، فیلم خوب می‌خواهد و فیلم خوب برای اکران شدن ضمانت‌های حمایتی می‌خواهد. تکرار تجربه همان ۳۰ درصد ظرفیت جشنواره کافی است تا صاحبان فیلم‌ها برای اکران تقاضا کنند. حدود ۲۰۰ فیلم پشت خط اکران است و تهیه‌کننده‌ها آرزویشان این است که هر چه زودتر فیلم‌هایشان اکران شود. در چنین شرایط پرریسکی و با وجود تجربه نه چندان موفق گیشه در سال گذشته، ۵ فیلم برای اکران نوروز امسال پیش قدم شدند تا چراغ سینما روشن بماند امیدواریم به محض تغییر وضعیت تهران و اعلام وضعیت نارنجی، آغاز فعالیت سینماها و فیلم‌های در حال اکران به‌طور گسترده اطلاع‌رسانی شود. در کنار هم از سینما حمایت کنیم تا صاحبان آثار دست و دل‌شان برای اکران نلرزد.